



متین رمضانخواه

پژوهشگر اجتماعی

در جهان پرسروصدای امروز که هرکس به مدد فراگیری فضای مجازی صدایی دارد و تریبونی، گروهی هستند با صدایی رسا ولی بدون تریبون. این گروه همان‌هایی هستند که پرداختن به حوضه‌شان قدمت زیادی ندارد. گروهی مهم که ماحصل تمام تلاش‌های امروز جامعه بشری هدیه‌ای به اوست و او سرنوشت‌ساز فرداست: کودک. نگاه به ایده کودکی به اواخر قرن ۱۷ میلادی برمی‌گردد. آنجایی که جان لاک می‌گوید: تجربه نخستین آدمی عمیقا بر زندگی بعدی او اثر می‌گذارد. تا چند دهه گذشته خانواده مهم‌ترین مرجع آموزش، تعامل، حضور و تربیت فرزند بود. این در حالی است که با تخصصی‌شدن نهادهای اجتماعی یعنی رسانه، آموزش، اقتصاد، سیاست و مذهب، نقش تربیتی همه‌جانبه از دوش خانواده‌ها برداشته شده و هریک از این نهادها نقشی اختصاصی در تربیت و رشد فرزندان بر عهده گرفته‌اند. هیچ‌یک از این نهادها در خلا بر کودک اثر نمی‌گذارند، یکی از مهم‌ترین فضاهای اثرگذار بر کودک محیط شهر است.

ابتکار شهر دوستدار کودک در روند جهانی‌شدن و سرعت‌گرفتن نرخ شهرنشینی

در سال‌های ۱۹۹۶ آغاز شد تا پاسخ‌گوی نیازها و زیست مطلوب گروهی باشد که صاحب تریبون نیست، اما از شهروندان مؤثر شهر است. در دو ساخت باید شهر دوستدار کودک را بررسی کرد. نخست، شهر به‌منابه میدانی که کودک در آن توانایی کنشگری و حضور مؤثر داشته باشد، و دوم تربیت عادت‌واره‌ها و سبک زندگی‌ای که کودک در آن امکان بروز و ظهور خویش را از طریق عضویت و نقش‌آفرینی در اجتماعات کودک‌محور مهیا ببیند. برای تحقق آنچه عنوان شد چه در ساخت ساختاری و چه در ساخت عاملیت، اصل فرایند محوری و استمرار ضروری است. تجهیز و بازآفرینی شهر به‌منابه میدان برای کودک، از یک سو نیازمند درک این اصل است که شهر دوستدار کودک یک عبارت نمادین است که اشاره به محله‌ها و اجتماعات محدود متناسب با زیست کودک دارد، در نتیجه و آماده‌سازی تمامی فضاهای شهری، چراکه بسیاری از فضا-مکان‌های شهری همچون سترهای صنعتی و امثالهم محیطی نامناسب برای حضور کودکان است. نکته اینجاست که در ایجاد بسترهای لازم برای فضاسازی‌های شهری، محیطی و

کودک کنشگر؛ پیش شرط توسعه فردا

همچنین ایجاد اجتماعات دوستدار کودک کسی که درباره نیازها و خواسته‌هایش سخن می‌گوید خود کودک است، نه مربیان و والدین و متخصصانی که با نگاه خود درباره زیست جهان کودکی می‌اندیشند و نظر می‌دهند. در واقع باید گفت که تدوین برنامه برای محله‌های مورد نظر جهت تبدیل‌شدن به محله‌های دوستدار کودک باید مبتنی بر فرصیات برای کودکان، اسناد بالادستی، نمونه‌های موفق جهانی، پیمایش‌های میدانی دقیق از وضعیت محلات و امکانات اولیه و از همه مهم‌تر بهره‌گیری از نگاه ذی‌نفعان و مصرف‌کنندگان اصلی یعنی کودکان (از طریق دریافت نظراتش با استفاده از نقاشی‌کشیدن، انشائونشتن، مدل‌سازی‌کردن و گوش‌دادن به نظراتشان) باشد. در سطحی دیگر برای آنکه بتوان کودک و کودکی را به گروه و موضوعی حائز اهمیت و نه‌تنها فانتزی برای والدین، سیاست‌گذاران، صاحبان مشاغل و صنایع، دانش‌گاہیان، فعالان مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد، رسانه‌ها، هنرمندان، سالمندان و… تبدیل کرد، نیازمند تفسیر جهان کودکانه و ارائه نیازها و خواسته‌های او به زبان قابل فهم برای دیگران هستیم، و در این میان

نگاهی به مشارکت کودکان در شهر دوستدار کودک

احیای ارزش‌های دنیای کودکی

شهر دوستدار کودک یک شهر با سکونتگاه متعهد به برآوردن حقوق کودکان است، شامل حقوقی از کودکان به‌منظور: تأثیرگذاری بر تصمیمات راجع به شهرشان، مشارکت در خانواده، جامعه و زندگی اجتماعی، نوشیدن آب سالم و دسترسی به سیستم فاضلاب مناسب، محفوظ‌بودن از خشونت و سوءاستفاده، پیاده‌روی امن در خیابان‌ها، دیدار دوستان و بازی با آنها، داشتن فضاهای سبز، زندگی در محیط زیست غیر آلوده، مشارکت در اتفاقات اجتماعی و فرهنگی و یک شهروند برابر بودن با دسترسی به هرگونه خدماتی صرف‌نظر از مبدأ قومی، مذهب، درآمد، جنس یا ناتوانی.



عکس نقاشی کودکان ۸ ساله افغانستانی از فضای شهری منظور: بزرگداشت مشارکت

لازمه بهره‌مندی از چنین مشارکتی، در درجه اول دیده‌شدن در سیاست‌گذاری‌ها و ساختار قانونی کشور و سپس آگاهی از روش‌ها و ابزارهای مختلف مشارکت است. مشخص‌ترین سند سیاست‌گذاری حوزه معماری و شهرسازی که مشارکت کودکان را به رسمیت می‌شناسد و اخیرا مورد تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران قرار گرفته است؛ الزامات و ضوابط عام شهر دوستدار کودک مصوب ۱۴۰۰/۵/۴ است که علاوه بر اشاره مستقیم به مشارکت کودکان و نوجوانان در سند پشتیبان این مصوبه، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و معاونت معماری و شهرسازی وزارت راه و شهرسازی را ملزم به تهیه و ابلاغ دستورالعمل شورای مشورتی شهری کودکان کرده است. در بخش شش سند پشتیبان ذیل عنوان «بسترسازی رویه‌ای جریان دوستدار کودک در شهرها و روستاها» به مشارکت کودکان پرداخته شده است. به این ترتیب که: «در تمامی فرایند برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت فضاهای دوستدار کودک، مشارکت کودکان باید به‌عنوان یکی از بخش‌های اصلی جریان تولید اسناد طرح‌های توسعه شهری وجود داشته باشد. روش‌ها و تکنیک‌های مختلفی برای جلب مشارکت آنها حتی به تفکیک سن، گروه اجتماعی و جنسیت اعم از نقاشی، مصاحبه، بازدید میدانی و… وجود دارد. برخی روش‌های پیشنهادی برای جلب مشارکت کودکان در فرایند تهیه طرح‌ها که هریک یا همه آنها بنا به موضوع طرح قابلیت کاربرد دارند، عبارت‌اند از: آموزش طرح، نظرخواهی مشارکتی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهادی مرتبط با کودکان و نوجوانان برای تهیه، نظارت و اجرای طرح، توان‌افزایی کودکان و نوجوانان برای مشارکت در فرایند اجرای طرح و ارائه نوآوری در طرح مطابق با اصول شهر دوستدار کودک.» چنین سیاست‌گذاری‌ای به نظر نقطه شروع خوبی برای تحقق مشارکت کودکان و نوجوانان در شهرهای دوستدار کودک است. هرچند کم‌نیتند ضوابط، دستورالعمل‌ها و

سیاست‌هایی که تنها زینت کتابخانه‌ها یا نهایتا سرفصل‌های درسی شده و تحقق و اجرای آن، رؤیای گروه‌هایی محدود و همچنان امیدوار شده است.

شهر دوستدار کودک و الزامات تحقق آن

شهر دوستدار کودک یک شهر با سکونتگاه متعهد به برآوردن حقوق کودکان است، شامل حقوقی از کودکان به‌منظور: تأثیرگذاری بر تصمیمات راجع به شهرشان، مشارکت در خانواده، جامعه و زندگی اجتماعی، نوشیدن آب سالم و دسترسی به سیستم فاضلاب مناسب، محفوظ‌بودن از خشونت و سوءاستفاده، پیاده‌روی امن در خیابان‌ها، دیدار دوستان و بازی با آنها، داشتن فضاهای سبز، زندگی در محیط زیست غیرآلوده، مشارکت در اتفاقات اجتماعی و فرهنگی و یک شهروند برابر بودن با دسترسی به هرگونه خدماتی صرف‌نظر از مبدأ قومی، مذهب، درآمد، جنس یا ناتوانی، سه استراتژی عمده برای تحقق شهرهای دوستدار کودک ارائه شده است:

۱- تغییرات شکل شهری: پیوند ایمن خانه‌های کودکان و خدمات مربوطه با گسترش حمل‌ونقل عمومی (شهر دوستدار کودک).

۲- تقویت طرح واحدهای همسایگی: افزایش امنیت، خوانایی، جذابیت و… (محله دوستدار کودک).

۳- تغییرات در ارزش‌های اجتماعی: حرکت آهسته، حرکت از فردگرایی به مسئولیت جمعی بزرگ‌تر و تحقق معنای والدین خوب.

امکان تغییرات اساسی در شهرها از طریق احیای ارزش‌های درونی که هم‌اکنون در میان کودکان هست، وجود دارد. از طریق زمان‌گذاشتن برای دیدن کودکان، ممکن است دوباره کشف شویم: لذت‌های آهستگی، ارزش اجتماع و کار با یکدیگر (گروهی) و کودک درونمان.

هیچ چیز جز حضور فعال و واقعی او به مثابه کنشگر در فضاهای مختلف شهری نمی‌تواند این عدم ارتباط یا به عبارتی عدم درک مطلب را حل کند. همین که کودک به عنوان بازدیدکننده‌ای از کنار ویرترین‌های تمام‌شیشه‌ای مغازه‌های پاساژ عبور می‌کند و به رنگ‌ها و طرح‌ها واکنش نشان می‌دهد، هم خود را در تجربه‌ای جدید از محیط شهری می‌بیند و هم به والدین و فروشندگان اطلاعی از سلیقه و خواسته زیبایی‌شناسی دوره کودکی ارائه می‌کند. وقتی او این فرصت را به دست می‌آورد تا شهر دلخواهش را نقاشی کند و شهر مد نظرش دور از تمام بایدها و ناپیدهای آموخته در ذهن من بزرگسال پر از رنگ، تنوع حیوانی و حضور تمامی اقدار با تمامی سلیقه‌هاست، از فضای مطلوب مورد نظرش برای زیستن در شهر سخن می‌گوید. همچنین در ساحتی دیگر زمینه‌های درک و پذیرش آنان به عنوان شهروندانی تمام‌عیار را برای خود آنان و دیگر گروه‌های شهروندی فراهم آورد تا کودک نیز حس شهروندی را زیست کرده و بتواند رابطه‌ای تعاملی و سازنده با محیط پیرامونی خویش برقرار کند.

دیدگاه

حق بر شهر و تضمین حقوق کودک



کودکان جمعیت قابل‌ملاحظه‌ای از سکونتگاه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند و به‌عنوان آسیب‌پذیرترین قشر هر جامعه نیازمند حمایت‌های ویژه و ابتکار سازوکارهای خاص در جهت تضمین حقوق خود هستند. کودک براساس کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ هر فرد زیر ۱۸ سال است که باید از حقوق‌بشری خود بدون هیچ‌گونه تبعیضی بهره‌مند شود. از دیدگاه حقوق بشر، اگرچه حق بر شهر جزء نسل سوم حقوق بشر موسوم به حقوق همبستگی با ویژگی حقوق جمعی مبتنی بر زندگی اجتماعی بشر است، حقی است متعلق به تمامی ساکنان شهر که خود می‌تواند مقدمه‌ای برای تحقق حقوق مدنی- سیاسی، اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی و دیگر حقوق نسل سوم حقوق بشر باشد. این حق از سوی دیگر به‌عنوان یک حق توزیعی متعلق به نسل‌های کنونی و آتی نیز تلقی می‌شود. در نتیجه عواملی که حق بر شهر به‌منابه یک حق بشری در اختیار قرار می‌دهد، در حمایت و تضمین حقوق کودک به‌ویژه از سوی نهادهای تصمیم‌گیرنده شهری بسیار به کار خواهد آمد. در ادامه خواهیم دید این حقوق چگونه درهم‌تنیده و به هم متصل هستند که حمایت از یکی مقدمه تضمین دیگری خواهد بود.

حق بر کرامت انسانی ایجاب می‌کند محل زیست کودک، محلی برای سکونت درخور شأن و کرامت انسانی باشد؛ کودک که درگیر فقدان سرپناه، تغذیه مناسب، آب آشامیدنی و محیط زیست سالم است و با فقر، کارنامناسب، بازماندگی از تحصیل، بدسرپرستی و محرومیت از فراغت و سرگرمی دست‌وپنجه نرم می‌کند، از حقوق دیگر خود به‌عنوان یک شهروند بازمی‌ماند. از طرف دیگر بر فرض تحقق حقوق ابتدایی کودک، شهر باید محلی برای تمرین دموکراسی باشد؛ حق شنیده‌شدن، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کودک، آزادی بیان و مطالبه‌گری از رهگذار تبیین و مفهوم‌سازی حق بر شهر محقق می‌شود. حق بر شهر فقط مربوط به حق دسترسی به امکانات شهری نیست بلکه حق شنیده‌شدن و تبدیل شهرها به مکان بهتری برای زندگی کودکان است. هرروز در سرتاسر جهان، کودکان زیادی دیده نشده و شنیده نشده، در انتظار تصمیماتی هستند که خود هیچ‌گونه نقشی در آن ندارند. حق بر مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کودک با نظارت جوامع مدنی و مردم‌نهاد، احترام به حق تنوع فرهنگی کودکان در کلان‌شهرهای مهاجرپذیر با داشتن اقلیت‌های قومی، مذهبی و زبانی از طریق شوراهای کودکان و نوجوانان قابل‌تحقق است. این تجربه به‌جز کشورهای اروپایی و آمریکایی در کلان‌شهرهای ایران نیز تجربه شده است. در بافت شهری، «حق بر شهر» فرصتی برای مشارکت در اداره شهر است. شوراهای کودکان و نوجوانان با رویکرد محله‌محور چنین فرصت‌هایی را با بودجه‌ای اندک و استقرار در فضاهای شهری فراهم می‌کنند. تصمیم‌گیرندگان شهری به‌عنوان حکومت‌های محلی، تجربه دموکراسی برای کودکان را از طریق چنین شوراهایی باید در دستور کار خود قرار دهند. الزامات یونسف در برند شهر دوستدار کودک حاوی رویکردی مبتنی بر تحقق حقوق کودک و حق بر شهر است. ابتکار شهرهای دوستدار کودک بر اساس کنوانسیون حقوق کودک بر چهار محور کلیدی استوار است. اصل عدم تبعیض، مراقبت و حمایت برای تضمین بهترین منافع کودک، حق ذاتی کودک بر حیات، بقا و توسعه و احترام به نظرات کودک و مشارکت در تصمیماتی که بر آنها تأثیر می‌گذارد. مناسب‌سازی فضای شهری جهت حق بر فراغت، دسترسی‌پذیری، طراحی ملبمان شهری، تدبیر اتاق‌های مادر و کودک در پایانه‌ها و مراکز تفریحی، شاید نخستین رسالت شهرهای دوستدار کودک باشد اما درواقع شهر دوستدار کودک شهری است که در آن همه الزامات حق بر شهر برای کودکان رعایت شده باشد؛ شهری پویا که حقوق مندرج در کنوانسیون حقوق کودک و اسناد بالادستی در جهت حق بر تنوع فرهنگی در آن بومی‌سازی شده و حق بر آموزش و یادگیری مستمر برای نبل به حقوق شهروندی ساکنان آن در دستورکار پارلمان شهری قرار داشته باشد. شهری که در آن سرمایه‌گذاری شهری، بهره‌وری از فضای شهری، طراحی، برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های شهری با درنظرگرفتن منافع کودکان باشد. در سوی دیگر حق‌ها، تکالیف وجود دارد. کودکان به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر حق بر بهره‌مندی از حمایت‌ها و تضمین‌های ویژه‌ای را دارند که این مهم بر عهده دولت، حکومت‌های محلی و نیز بازیگران غیردولتی است. برای تحقق شهری فراگیر، ایمن، تاب‌آور و پایدار، تحقق حداکثری حقوق شهروندی و رشد مفهوم شهروند مسئولیت‌پذیر و مطالبه‌گر، مسئولیت و پاسخ‌گویی دولت و حاکمان محلی در صدر اهمیت است. تحقق حقوق کودک از رهگذار حق بر شهر ایجاب می‌کند شهر و تصمیمات شهری بیش‌ازپیش برای شهروندان دسترس‌پذیر و مشارکت‌پذیر باشد. تصمیم‌گیران شهری موظف‌اند، درخصوص حمایت از حقوق کودک، صدای آنان در طراحی و اجرای پروژه‌های شهری باشند.

